

تبلیغ دین با محوریت نقش روان‌شناختی-تربیتی جذبه ولایت اهل بیت علیهم السلام

سید احمد رهنمایی^۱

چکیده

در عرصه ارتباطات انسانی، ارتباط مابین شخص جاذب و مجذوب به مراتب بیش از یک ارتباط متعارف می‌تواند منشأ تحولات روان‌شناختی-تربیتی باشد. از این رو، محور قرار گرفتن جذبه ولایت اهل بیت (ع) در تبلیغ دین راه را برای الگوبری از آن بزرگواران هموارتر خواهد ساخت. چنین جذبه‌ای عرصه‌های گوناگون زندگی را در بر می‌گیرد. انسان‌ها در اثر جذبه به حالتی از شیدایی نسبت به عامل جذاب می‌رسند و در اثر چنین حالتی می‌کوشند تا از وی پیروی کنند. شیدایی مؤمنان نسبت به اهل بیت (ع)، آنان را به طرزی شایسته‌تر به پیروی از رهنمودهایشان فرا می‌خواند. اما چنین جذبه‌ای چگونه حاصل می‌گردد و چه فرایندی را طی می‌کند تا آثار تربیتی خود را بروز دهد؟ مقاله حاضر در پی تبیین چگونگی شیفتگی به اهل بیت (ع) و نقش تربیتی و تأثیرات روان‌شناختی این شیفتگی در زندگی انسان است. روش تحقیق ترکیبی از روش‌های توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی به صورت اکتشافی-استنتاجی است. حاصل اینکه هر اندازه پیروان اهل بیت (ع) بیشتر مجذوب آنان باشند، همگرایی شان در نظر و عمل با آن بزرگواران بهتر و مشهودتر خواهد بود.

واژگان کلیدی: جذب و انجذاب، جذبه ولایت، نقش روان‌شناختی-تربیتی، تبلیغ دین

^۱ . عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

خداوند از بدو آفرینش در وجود حضرت آدم (ع) دو نیروی جذب‌کننده نهاد؛ یکی به سمت خدا و ستایش او و دیگری به سمت همنوع و همسرش حضرت حوا (ع). بشر بدین ترتیب، مجهز به اسباب جذب و انجذاب روحی-روانی و بدنی-جسمانی آفریده شد، به گونه‌ای که نخستین مورد چنین حالتی در میل پرستش به معبود حقیقی و دومین مورد آن در تمایل متقابل حضرت آدم و حوا نسبت به یکدیگر به منصفه ظهور رسید. با خلقت انسان ابزار و وسایل جذب، یعنی غریزه و فطرت و حس و احساس و عقل در اختیارش قرار گرفت تا به کمک آنها خواسته خویش را با جذب و انجذاب تأمین کند. از سوی دیگر، خداوند در برقراری ارتباط دو سویه با بندگان خویش از میان همه اوصاف دو وصف الرحمن و الرحیم را برگزید تا به مصلحت و خیر و سعادت بندگان هر چه بیشتر زمینه شیفتگی و جذب آنان را به سمت خویش فراهم آورد. در اثر این جذب و انجذاب، حالتی در انسان پدید می‌آید که دایره‌اش از میل به پرستش خدا تا پایین‌ترین سطح زندگی انسان را در بر می‌گیرد. افزون بر این، زیبایی‌های سیره و فرهنگ ولایی اهل بیت علیهم السلام مهمترین عامل جذب و ارادت بسیاری از آحاد انسانی به منش و خلق و خوی آن بزرگواران به شمار می‌رود. این کلام حضرت امام رضا (ع) را باید معیار روشنی در راستای جذب دل‌های آماده و جان‌های شیفته حقیقت قرار داد که فرمود: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا حَيًّا نَزَّاهًا قَلْبُهُ لَدُوِّ

كَيْفَ يُخْرِجُكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ فَاسْمُ النَّاسِ لَوْ عَلِمُوا مَا نَشَرْنَا لَدِينَنَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۰۷). «خداوند

بنده‌ای را که امر ما را زنده گرداند مشمول رحمت خویش قرار دهد.» از امام پرسیدم چگونه بنده خدا امر شما را زنده گرداند؟ فرمود بدین گونه که معارف ما را فراگیرد و به مردم بیاموزاند، چنانچه مردم زیبایی‌های گفتار ما را فهم کنند، به

طور قطع از ما پیروی خواهند کرد. و یا این روایت «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا حَيًّا لِرِ النَّاسِ وَلَمْ يُبْغِضْنَا إِلَيْهِمْ وَبِحِمْ لَوْ نَرَاهُمْ مَا نَشَرْنَا لَدِينَنَا»

وَلَدَلَا مَطَّلَعِ نَسْمِ يَتَلَقَّ عَلِيمٌ بِشَرِّهِ» (امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۵۶). خداوند بنده‌ای را که موجب گردد ما محبوب

مردم و نه مبعوض آنان باشیم مشمول رحمت خویش قرار دهد. به خداوند سوگند چنانچه مردم زیبایی‌های گفتار ما را می‌یافتند عزت بیشتری پیدا می‌کردند و هیچ عاملی بر آنان چیره نمی‌گشت.

در همین راستا، اهل بیت (ع) که خودشان مجذوب خدا هستند مجذوب پیروان راستین خویش واقع می‌شوند. در این میان، آن تعداد از افراد که کم و بیش با فرهنگ ولایت الهی آشنا گشته‌اند به تدریج آنقدر مجذوب چنین فرهنگی شده‌اند که حتی در مواردی به مقام ذوب و فنا رسیده‌اند و در جایگاه محبت و بندگی خدا و پیروی از اولیاء الهی پیشاهنگ خلق خدا گشته‌اند. تحقیق حاضر در صدد بررسی کند که جذب و انجذاب مزبور بر اساس چه ساختار و فرایند روان‌شناختی حاصل می‌گردد و نقش و اثر تربیتی ماندگار این حالت در وجود انسان با ایمان چگونه به منصفه ظهور می‌رسد؟

مفهوم شناسی جذبه:

با مراجعه به فرهنگ واژگان، در بررسی مفهوم لفظی و لغوی جذبه مفاهیمی چون کشش قلبی، برکشیدن بنده توسط خدا، کششی از عالم غیب، فتوحات و کشف‌های ناگهانی قلب، ترک وابستگی‌ها، بنده را نزدیک ساختن به خود توسط خدا، و ... (ر.ک. دهخدا، واژه «جذبه») قابل پیگیری است. در همین راستا، مفاهیمی چون «دلربایی، گیرایی، ملاحظت، سلطه، انجذاب، خلسه» زمینه درک و تداعی حقیقت جذبه را بیشتر فراهم می‌آورند.

با این اوصاف، نیروی جذبه سنخ نیرویی است که بدون اتصال ظاهری بین جاذب و مجذوب، از یک جسم و یا یک شخص بر جسم و یا شخص دیگر تأثیر گذاشته، آن جسم و یا آن شخص را به سمت خود می‌کشاند. این تأثیر و تأثیرگذاری از باب انطباع است به این معنا که یکی تأثیر می‌گذارد و دیگری تأثیر می‌پذیرد. ابن منظور در تجزیه و تحلیل مفهوم جذب بیش از همه بر سه معنای کشش و ربایش و بریدگی تأکید می‌ورزد (ابن منظور، حرف الجیم: جذب). بنابر تعریفی دیگر، جذبه به مفهوم گیرایی، کشش، کشش غیبی به «حالتی در شخص عارف و خداپرست» تعریف شده است «که از خود بی‌خبر شده و به سوی حق کشیده می‌شود.» شعر جامی شاهد مثال روشنی برای این معنا و این حالت است: «گفتی که شدی ز عشق مفتون / وز جذبه عاشقی دگرگون» (عمید، ۱۳۸۷، واژه «جذبه»). به عبارتی دیگر، «جذبه در لغت کشش و گیرایی است و در اصطلاح تقرب و نزدیکی بنده است به خدای تعالی، بدون طی منازل و مراحل معمول در سلوک» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸).

جذبه ولایی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا

روانشناسان مثبت‌گرا بر این باورند که روانشناسی مثبت‌گرا با نفوذ به زندگی روزمره مردم می‌تواند "راه‌های داشتن زندگی بهتر را به آنان معرفی نماید."^۲ افزون بر این، در صددند بدانند چگونه خوش‌بینی و امید بر سلامتی فرد تأثیر می‌گذارد، چه چیزی مایه خردورزی است و چگونه استعداد و خلاقیت به ثمر می‌نشیند.^۳ این رویکرد روانشناختی در واقع مدعی است که با تمرکز بر صفاتی نظیر امید، عقلانیت، خلاقیت، شجاعت، معنویت، مسئولیت، و مقاومت می‌توان به زندگی معنا بخشید و شادی و نشاط را به ارمغان آورد.

تا کنون مقالات فراوانی در قلمرو روانشناسی مثبت‌گرا، به زبان‌های گوناگون از جمله انگلیسی و فارسی انتشار یافته است. بیشتر این آثار صرفاً بر بهینه‌سازی زندگی و ایجاد و گسترش شادکامی و نشاط تأکید می‌ورزند و با فرهنگ سازنده و تعالی‌بخش الهی-ولایی سر و کاری ندارند و از نقش و جایگاه نگرش و بینش و گرایش ایمانی آن هم از جنس ایمان به مبدأ و معاد و کتب و پیامبران الهی یا هیچ و یا به ندرت سخن رانده‌اند. در این میان هستند آثاری چون الگوی

^۲ . <http://www.iranahgig.ir/?p=4894>.

^۳ . <https://psycnet.apa.org/record/001-13324-2000>.

<https://psycnet.apa.org/doiLanding?doi=066-0003/10.1037X.55.1.5>

<http://www.iranahgig.ir/?p=4894>

اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا که با جهت‌گیری مذهبی آن هم از منظر توحیدی و زندگی موحدانه بر نقش ایمان در ایجاد آرامش روانی تأکید می‌ورزند (پسندیده، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰). ارزش‌هایی چون امیدواری، معنویت-گرایی، خردورزی، حقیقت‌جویی، مسئولیت‌پذیری، کمال‌طلبی، دوراندیشی، صبرپیشگی، توکل و نظایر آن همه در روانشناسی مثبت‌گرای ناظر به فرهنگ ولایی به مراتب بیش از روانشناسی مثبت‌گرا در فرهنگ سکولار مورد تأکید و بهره‌برداری هستند.

به عبارتی، هنر روانشناسی مثبت‌گرا در این است که با نفوذ در زندگی روزمره انسان‌ها، راه‌های زندگی شایسته-تر و متعالی‌تر را به آنان بیاموزد تا چه بسا بتوانند با تمرکز بر ارزش‌های فوق به زندگی معنا بخشند و اسباب نشاط و رضایتمندی در زندگی را فراهم آورند. در این میان، آنچه که در مقایسه با شادی و نشاط و امیدواری عاجل مادی و دنیوی، از قدرت پایداری بیشتری برخوردار است ارزش‌هایی است که در پرتو فرهنگ ولایی مثبت‌گرا قابل دستیابی است. دستمایه اصلی این فرهنگ حالت جذب و انجذابی است که از جانب خداوند و اولیاء الهی بر مبنای قاعده لطف و حکمت و از جانب انسان بر پایه نیاز به عنایات الهی و شفاعت اولیاء او پدید می‌آید. روان انسان از طرق گوناگونی چون ادراکات غریزی، حسی، عقلی و فطری مجذوب فرد یا افرادی می‌شود که به نظر وی برخوردار از ظاهر و صفات و رفتار و یا خلق و خوی برانگیزاننده و جذاب می‌باشند.

نمونه حالتی از جذب و انجذاب را می‌توان از باب مثال در بروز و ظهور غریزه گرسنگی و تشنگی و ترس و هراس یافت که انسان را به سمت تدارک آب و غذا و یافتن پناهگاه می‌کشاند و یا در مشاهده یک منظره جذاب و زیبا و یا در شنیدن یک صوت دلنشین روح افزا سراغ گرفت که او را فریفته و شیفته آن منظره و یا آن صدا می‌کند و یا در میل فطری به حقیقت و پرستش جستجو کرد که انسان را به سمت شناخت راه‌های کشف حقیقت و شناخت معبود حقیقی سوق می‌دهد. وی همچنین با درک عقلانی از سعادت، مجذوب راهکارهای نیل به سعادت می‌شود. خداوند منان به فضل و احسان و حکمت خویش عشق به پاکی‌ها و کمالات را در وجود ما انسان‌ها به ودیعت سپرده است تا از برکت آنها کمال بهره‌برداری را داشته باشیم. انسان‌ها با یک چنین پشتوانه قوی غریزی و حسی و فطری و عقلانی، مجذوب حقایق، افراد و اشیاء و مناظر و اصوات می‌گردند.

روان انسان در اثر جذبه به حالتی دست می‌یابد که طی آن قلب شخص مجذوب توجهش به طور کامل مصروف کسی یا چیزی است که در نظرش جذاب جلوه کرده است. چنین شخصی در این حالت، ضمن توجه محض به آن فرد یا آن شیء، نسبت به هر آنچه در اطرافش می‌گذرد بی توجه است، به گونه‌ای که اشیاء و اشخاص از نظر او غایبند، گو اینکه اصلاً حضور ندارند. این حالت در مثال مانند حالت انسان عارف سالکی است که با اتصال به جهان ماوراء، توجه به عالم ملکوت در جان او آشکار و متجلی خواهد بود در حالی که هر چیز دیگری غیر از آن در نظرش غایب است. این امر بستگی به اهتمام ویژه‌ای دارد که انسان نسبت به حضور قلب در پیشگاه خداوند و یا نسبت به اولیاء او به کار می‌بندد. به هر میزان که حضور قلب بیشتر و زیادتر باشد، دیگر امور و اشیاء و اشخاص در نظرش غایب‌تر خواهند بود، و گر نه همان گونه که از آیات قرآن و دعاها و مناجات و رهنمودهای معصومین علیهم السلام برداشت می‌شود، خداوند از شدت ظهور هرگز غایب و دور از نظر نخواهد بود و نیازی به ارایه دلیل و راهنما برای اثبات ظهور و نزدیک بودنش احساس نخواهد

شد. مؤمنان با بصیرت او را حاضر و ناظر بر خویش می‌یابند و از محبت او توشه برمی‌گیرند تا گرفتار خسران ابدی نگردند^۴ (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۳۴۹).

نماز با حضور قلب یکی از راه‌های درک این مضامین بلند معنوی و عرفانی است. صدر المتألهین در شرح خویش بر اصول کافی راجع به نماز اظهار می‌دارد: "بر خردمندان با بصیرت و با هدایت و نه بر بندگان هوای نفس، پوشیده نیست که نماز کامل دارای مضامین و ویژگی‌هایی است که در هیچ یک از خوبی‌ها و عبادات ظاهری یافت نمی‌شوند" (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳ ج ۱ ص ۴۷۹). در تفسیر ایشان، حضور قلب، تفهیم، تعظیم، هیبت، امید و حیاء شش خصلت با شرافت و شش حالت شایسته و ملکات بزرگی هستند که تنها در وجود انسان با ایمانی یافت می‌شوند که خداوند دلش را به نور معرفت و ایمان آزموده باشد (همان). به نظر صدر المتألهین، حضور قلب هنگامی حاصل می‌گردد که دل از غیر آنچه که شخص با وی همراه و همنشین و هم کلام است فارغ و آگاهی نسبت به او حاضر و فعال باشد و اندیشه‌اش به سمت و سوی غیر او جریان نیابد. در این صورت، همین که فکرو خیالش از غیر بر حذر ماند و در دلش به یاد موجود مورد نظر باشد و از او غافل نگردد، حضور قلب معنا و وجود می‌یابد (همان). جذبۀ ولایی اهل البیت علیهم السلام نیز فرد شیدا و شیفته آنان را به یک چنین مرتبه‌ای از حضور قلب نسبت به آن بزرگواران می‌رساند.

جاذبیت یک فرد در نظر فرد دیگر قبل از هر چیز به انس و الفت و اتصال روانی فرد مجذوب نسبت به فرد جاذب تفسیر می‌شود. این واقعیت روان‌شناختی در روایات معصومین علیهم السلام انعکاس ویژه‌ای یافته است. از جمله حضرت علی علیه السلام می‌فرماید ارواح همچون سپاهیان دسته بندی شده هستند که اعضای هر دسته‌ای به یکدیگر به هم پیوسته‌اند. پس افراد یک دسته که همدیگر را می‌شناسند مانوس یکدیگرند ولی اعضای از دسته‌های مختلف که نسبت به همدیگر آشنایی ندارند از یکدیگر فاصله می‌گیرند (منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ ق، ص. ۱۵۶-۱۵۷).^۵ همچنین از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: ارواح حکم سپاهیان رده‌بندی شده را دارند که به هنگام روبرو شدن با یکدیگر، همانند اسبان همدیگر را استشمام می‌کنند، چنانچه بوی آنان برای همدیگر آشنا باشد، با هم انس می‌گیرند، اما چنانچه برای هم ناآشنا باشند، یکدیگر را رها می‌کنند. امام در ادامه می‌فرماید: اگر مؤمنی به مسجدی وارد شد که در آن افراد بسیاری حضور دارند، روح وی به جانب کسی روان و متمایل می‌گردد و کنار

۴. از باب نمونه، اَلَيْسَ بِغَيْرِكَ مِثْلُ الظُّمْرِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتْمٌ لِيَوْمٍ، هُوَ الْظُّمْرُ لَكَ مَتْرَعٌ حَتْمٌ تَحْتَاجُ لِأَسْرِ دَيْلٍ يَلُكُ عَلَيْكَ وَ مَتْرَعٌ حَتْمٌ تَحْتَاجُ لِيَوْمٍ، اللَّهُمَّ سِرِّ الْأَمْرِ تَوْصِلُ إِلَيْكَ عَيْتَ عَيْنِ الدُّنْيَا / تَرَاكُنْ / عَلَيْهَا رَقِيبًا وَ حَمْرَتَ صَفِيَّةَ عَدِيمَةٍ تَجْعَلُ لَهَا مِثْرَ حَبِّكَ نَصِيبًا فِرَازَ هَائِي مِنْ دَعَايِ عَرَفَةَ حَضْرَتِ إِمَامِ حُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ.

۵. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُ وَجُودٌ مُجَرَّدٌ فَتَعَارَفَ مِنْهَا الْأَتْلَفُ وَ مَا تَكَرَّرَ مِنْهَا الْأَتْلَفُ.

کسی می‌نشیند که مثل خود او اهل ایمان باشد (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹).^۶ پیرو روایت دیگری بدین لحاظ، مؤمنان در ابراز عواطف و احساسات نسبت به یکدیگر حکم پیکره واحدی را دارند که چنانچه یکی از اعضای آن از درد شکایت کند سایر اعضا با آن همدردی خواهند کرد (همان).^۷

تشابه دو فرد و یا جمعی از افراد در صفات شخصیت، به ضمیمه علاقه بینا فردی و اجتماعی دو عامل مهم و برجسته در فرایند جذب و انجذاب به شمار می‌روند. علاقه اجتماعی از جمله گرایش‌هایی است که «در هر کسی بالقوه وجود دارد، اما قبل از اینکه بتواند به سبک زندگی سودمند کمک کند، باید پرورش یابد» (فیست و فیست، ۱۳۸۶، ص ۹۴). علاقه اجتماعی در وجود نوزاد انسان از همان ماه‌های اولیه نوباوگی از طریق رابطه والدین-فرزندی شکل می‌پذیرد. بدین ترتیب، بذر علاقه اجتماعی از آغاز طفولیت در نهاد انسان کاشته می‌شود (ر. ک. همان).

صفات شخصیت اما با تأخیر در سنین بالاتر و به مرور زمان در اثر مداومت شخص بر رفتار مبتنی بر الگوی نسبتاً پایدار متناظر به اوضاع واحوال و ویژگی‌های درونی و خلقی وی ظهور می‌یابند. صفات شخصیت از جنبه تربیتی به ویژه تربیت اخلاقی بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند چرا که در برقراری روابط و معاشرت بینافردی و اجتماعی نقش بارزی ایفا می‌کنند. افزون بر این، در بسیاری از امور، داوری در مورد اشخاص و ملقب کردن آنان به القاب خاص بر پایه همین صفات صورت می‌پذیرد، تا آنجا که حتی در گزینش افراد برای مناصب و مسئولیت‌ها و رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی و شغلی و احیانا تشکیل خانواده و زندگی مشترک این صفات شخصیت هستند که مورد توجه و بررسی ویژه قرار می‌گیرند (ر. ک. گروه نویسندگان، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۷۵).

به موازات علاقه‌مندی افراد نسبت به یکدیگر، صفات شخصیتشان در صورت تشابه با یکدیگر موجب گرایش آنان به یکدیگر خواهد شد. بدین ترتیب، هر اندازه در بررسی صفات شخصیت تشابه بیشتری میان دو فرد یا افراد لحاظ شود،

۶. وَعَشْرُ الرَّسُولِ عَمَّا قَالَ: اللَّهُ رُوحٌ جَبُودٌ مُجْتَمِعَةٌ تَلْتَمِسُ مَشَامِكَنَا نَحْنُ لَهَا فَتَعَارَفَ مِنْهَا لَتَلْفَ وَ مَا تَكَرَّرَ مِنْهَا لَتَلْفَ وَ لَوْ لَمْ نُؤْمِنْ بِجَاءِ الرَّسُولِ لَمُنْفِرَةٌ نَاسٌ كَثِيرٌ لَيْسَ فِيهِمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاصِدٌ لَمَّا كَثُرَ رُوحُ الرَّسُولِ ذَلِكَ الْوُفْوُؤُ حَتَّى يَجْلِسَ إِلَيْهِ.

۷. وَعَشْرُ الرَّسُولِ عَمَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَّهُ قَالَ: الْوُفْوُؤُ مَشَامِكُ الْمُؤْمِنِ كَجَسَدِ الْوُاصِلِ إِذْ لَمْ تَنْتَزِعْ شَيْئًا مِنْهُ وَجَدَ الْوُفْوُؤُ ذَلِكَ فَرَسًا رَجَبِيًّا، إِذْ لَمْ يَلْمِ الْوُفْوُؤُ مَشَامِكُ الرَّسُولِ، وَ لَمَّا كَثُرَ رُوحُ الرَّسُولِ لَمُنْفِرَةٌ نَاسٌ كَثِيرٌ لَيْسَ فِيهِمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاصِدٌ لَمَّا كَثُرَ رُوحُ الرَّسُولِ ذَلِكَ الْوُفْوُؤُ حَتَّى يَجْلِسَ إِلَيْهِ. (در خصوص ارتباط روح و روان اهل ایمان با یکدیگر روایت فراوانی از ساحت معصومین وارد شده است. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به کتاب «المؤمن» (۱۴۰۴)، ص ۳۹-۴۲، تألیف کوفی اهوازی از محدثین قرن سوم هجری قمری و ترجمه آن با عنوان: «مؤمن کیست؟ وظیفه/اش چیست» (۱۳۸۶)، ص ۷۴-۷۹، ترجمه صالحی، عبدالله).

(شریف الرضی (صبحی صالح)، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۰۶)، اگر بردبار نیستی، شیوه بردباران پیشه کن چرا که کم اتفاق می‌افند شخصی خود را شبیه گروهی درآورد مگر اینکه زود است که جزو آنان گردد.

به بیانی که گذشت، پذیرش ولایت اهل بیت (ع) از جمله در برگیرنده گرایش‌های روانی مثبتی است که زمینه تربیت یافتن به تربیت آنان را برای شخص ولایتمدار فراهم می‌آورد، همچنان که بیزاری جستن از دشمنان اهل بیت (ع) شخص را از گرفتار شدن به صفات شخصیت دشمنان رهایی می‌بخشد. اساس تربیت ولایی در پرتو جذب و انجذاب روانی و رفتاری با همگون شدن متربی با مربی تناسب دارد.

در این راستا، سرگذشت رهیافتگان به مقام ولایت معصومین (ع) پس از بصیرت‌یافتگی نشان می‌دهد که چگونه و بر اساس چه تحولات فکری و روانشناختی بر امر ولایتمداری پایدار و پایبند مانده‌اند و اسباب هدایت و بصیرت و تربیت ولایی دیگران را نیز فراهم ساخته‌اند. شیخ ابراهیم یعقوب زکزاکی (۱۹۵۳ م)، رهبر جنبش اسلامی شیعیان نیجریه، پروفیسور محمد سماوی تیجانی (۱۹۴۳ م)، استاد دانشگاه اهل تونس و عصام یحیی عماد (۱۹۶۸ م)، محقق علوم اسلامی از اهالی عربستان سعودی سه نمونه شخصیت برجسته رهیافته به ولایت اهل‌البیت (ع) هستند که تا کنون عامل هدایت و بصیرت میلیون‌ها نفر بوده‌اند. این شخصیت‌ها و ده‌ها نمونه دیگر مانند آنان نخست از جنبه روانشناختی تحت تأثیر جاذبه‌های فکری و کلامی و رفتاری اهل‌البیت (ع) قرار گرفتند، سپس به اسلام ناب محمدی گرویدند و بر این مبنا به تربیت ولایی ملتزم شدند.

به هر صورت، بیان تعالیم قرآن و معارف اهل‌البیت (ع)، به سبکی روان و جذاب در قالب توصیف و تحلیل و داستان و رمان و شعر و نمایش شنیداری-دیداری در روان و شخصیت انسان اثربخش خواهد بود. از میان روش‌های ادبیات معاصر، آنچه به شکل داستان و رمان و نمایش و یا با زبان شعر آرایه شود با طبع و روان بشر سازگارتر است. از میان این روش‌ها، از باب نمونه سروده‌های زیبا و پرمحتوا به دلیل آهنگین بودن و بهره‌مندی از آرایه‌ها و زیبایی‌های ادبی و هنری و حماسی و برانگیزاننده‌های حسی و فطری و عقلی، در روان انسان تأثیر عمیق و شگرفی بر جای گذاشته، توجه و نظر بیشتری را به جانب خود جلب و جذب می‌کند.^۹ صوت زیبا نیز از جمله اموری است که در جذب افراد می‌تواند بسیار مؤثر باشد. قرآن از باب نمونه به جاذبه‌های صوتی مناجات حضرت داوود (ع) در پیشگاه خداوند و تلاوت زبور توسط آن حضرت اشاره دارد که چگونه از بس دلنشین و روح‌افزا بود کوه‌ها و پرندگان حتی همراه او نجوا می‌کردند! ... **وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ ... (انبیاء: ۷۹)** کوه‌ها و پرندگان را مسخر و مطیع داوود ساختیم به طوری که با وی تسبیح خدا گویند. **وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أُوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ ... (سبأ: ۱۰)**، داوود را از جانب

^۹ بی‌جهت نیست که شعری همچون مولوی و فردوسی و حافظ و سعدی در پی قرن‌های متمادی هنوز نه تنها میان فارسی‌زبانان، بلکه در میان ملل و اقوام جهان جاذبه دارند.

خویش فضیلتی خاص عطا کردیم بدین گونه که به کوه‌ها و پرندگان فرمان دادیم تا همراه او تسبیح خدا گویند ... و (ص: ۱۸ و ۱۹). پدیده جالب روزگاران اینکه بسیاری از ناآشنایان با اسلام تنها با یک بار مراجعه به قرآن و یا نهج‌البلاغه و یا خواندن و شنیدن آیاتی از قرآن و یا دعایی از دعاهای صحیفه سجادیه به اسلام ناب گرویده‌اند.^{۱۰} مگر نبود که تعداد زیادی از مردم در نواحی مختلف دنیا با شنیدن صوت زیبای آیات قرآن توسط قاری خوش‌نوایی چون عبدالباسط (۱۹۲۷-۱۹۸۸) مجذوب قرآن شدند و به برکت علاقه‌مندی به قرآن به اسلام گرویدند؟

به همین منوال، در گوشه و کنار دنیا فراوان هستند کسانی که با خواندن سیره و شنیدن کلام امام خمینی مجذوب اسلام نابی شدند که ایشان مروج آن بود. از جمله می‌توان از جوان رهیافته بیست ساله آمریکایی یاد کرد که پدرش روحانی کلیسا و مادرش فرهنگی مسیحی متعصب بود. وی نام محمد را برای خود برگزیده بود و دلیل تشریفش به اسلام را آشنایی با گفتار امام خمینی (ره) و جذبۀ ولایت ایشان می‌دانست. محمد می‌گفت تشریفش به اسلام به شدت با مخالفت والدین خود مواجه گردید و در اثر آن هر دو رابطه والدین-فرزند را با وی بریدند. افزون بر این، پدر ۲۰۰ دلار کمک هزینه ماهانه‌اش را نیز قطع کرد. محمد عاشق انقلاب و ایران و امام و مقام معظم رهبری شده بود که با نصب تصویر هر دو بزرگوار روی پرچم جمهوری اسلامی که بر روی سینه بسته بود، ارادت و اخلاص خود را نسبت به انقلاب اسلامی و رهبری آن ابراز می‌داشت (ره‌نمایی، ۱۹۹۵م (۱۳۷۴)، دیدار حضوری).

¹⁰. از باب نمونه، علاقه خانم آنه ماری شیمل (۱۹۲۲-۱۳۰۱) ۲۰۰۳- (۱۳۸۱)) به آشنایی هر چه بیشتر با معارف اسلامی، وی را به فراگیری زبان‌های شرقی، مانند فارسی و ترکی واداشت. خانم میشل در اثر مطالعات فراوان خود،

با ادعیه مذهب شیعه و به ویژه، دعاهای عارفانه امام سجاده (ع) آشنا شد و با اشتیاق فراوان آنها را ترجمه و به اروپاییان علاقه‌مند معرفی کرد. او درباره تأثیر ترجمه دعاهای امام سجاده (ع) بر اروپاییانی که آن را مطالعه کرده اند، گفته است: «من خود همواره دعاها، احادیث و اخبار اسلامی را از اصل عربی آن می‌خوانم و به ترجمه دیگران مراجعه نمی‌کنم. من بخشی کوچک از کتاب مبارک صحیفه سجادیه را، به آلمانی ترجمه و منتشر کرده‌ام و از جمله، دعای رؤیت هلال ماه مبارک رمضان و دعای وداع با آن ماه را. وقتی مشغول ترجمه این دعاها بودم، مادرم در بیمارستان بستری بود و من که به او سر می‌زدم، پس از آنکه او به خواب می‌رفت، در گوشه‌ای از آن اتاق، به کار پاکت‌نویس کردن ترجمه‌ها مشغول می‌شدم. اتاق مادرم دو تختی بود. در تخت دیگر، خانمی بسیار فاضله بستری بود که کاتولیکی مؤمن و راسخ‌العقیده و حتی متعصب بود. وقتی فهمید که من دعاهای اسلامی را ترجمه می‌کنم، دلگیر شد که مگر در مسیحیت و در کتب مقدسه خودمان، کمبودی داریم که تو به ادعیه اسلامی روی آورده ای؟ وقتی کتابم چاپ شد، یک نسخه برای او فرستادم. یک ماه بعد، او به من تلفن زد و گفت: صمیمانه از هدیه این کتاب متشکرم، زیرا هر روز به جای دعا، آن را می‌خوانم. بله! واقعا ترجمه ادعیه امامان معصوم (ع)، به ویژه صحیفه حضرت زین العابدین (ع)، برای بسیاری از مردم مغرب زمین، کارساز است (پلنگی، ۱۳۸۱، ش ۱۲۱).

شهید دکتر (مهدی) ادواردو آنیلی نمونه دیگری از پاکبختگان نسبت به اسلام ناب است که در اثر جذبۀ قرآن و علاقمندی به ساحت امام خمینی بر اسلام ولایی و انقلابی تا شهادت استوار ماند. وی داستان تشریف با اسلام را چنین بیان می‌دارد:

در نیویورک که بودم، یک روز در کتابخانه دانشگاه ... چشمم افتاد به قرآن ... کنجاو شدم که ببینم در آن چه چیزی آمده است. ... شروع کردم به ورق زدن و آیاتش را به انگلیسی خواندم. احساس کردم که این کلمات، کلمات نورانی است و نمی‌تواند گفته بشر باشد. خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم، بیشتر مطالعه کردم و احساس کردم که آن را می‌فهمم و تعالیمش را قبول دارم ... (انجمن اسلامی شهید ادواردو آنیلی (مهدی)، بی تا).

شهید آنیلی در دیدارش با امام خمینی قدس سره (فروردین ۱۳۶۰) شیفته ایشان گردید، امام نیز در آن دیدار پیشانی ادواردو را بوسید. این شهید جمعی از دوستان صمیمی خود را با اسلام ناب آشنا ساخت تا سرانجام آنان نیز توفیق یافتند به این دین مبین تشریف یابند. وی بدون هراس از انواع تهدیدها، آشکارا تا آخر عمر خود و تا هنگام شهادتش بر عهد خویش نسبت به مکتب اهل البیت (ع) باقی ماند. این نمونه پدیده‌های زیبا نشان می‌دهند چنانچه دروازه‌های معرفت قرآن و اهل البیت (ع) به روی بشر باز شود و هیچ رسانه‌ای در جهان چهره اسلام ناب را مخدوش و کریه جلوه ندهد و تبلیغات سوء علیه این دین مبین الهی پایان پذیرد، بسیاری از احاد بشر مجذوب مرام و کلام آن بزرگواران خواهند شد و در خواهند یافت که کلید گنج سعادت را باید در نزد قرآن و معصومین (ع) جستجو کرد.

همه انسان‌ها از استعداد بالایی برای کشف حقیقت برخوردارند. آنان بر حسب گرایش فطری خویش به حقیقت می‌توانند با انگیزه و تلاش و اراده مصمم خویش به حقیقت دست یابند؛ تفاوتی نمی‌کند از چه قوم و قبیله و ملیت و زبان و کشوری باشند. کافی است پژوهشگران عرصه پاک و رستگاری در مورد اسلام ناب با زبان مفاهمه جهانی و بین‌المللی نسبت به ترویج و نشر قرآن و سیره و سنت و آثار اهل البیت (ع) اهتمام ورزند. این اقدام تأثیر بسزایی در معرفی این دو میراث گرانبها و جذب افراد به سمت هر دو برجای خواهد گذاشت.

فطرت ما انسان‌ها به مثابه عنصر کلیدی روان ما در سازگاری کامل با میراث فرهنگی کهن و ریشه‌داری است که بر پایه و به اقتضای آن نه تنها می‌توان عشق و ارادت خویش را به ساحت قدسی امامان (ع) ابراز داشت، بلکه می‌شود اسباب ترویج و نشر فرهنگ و ارزش‌های الهی و آرمانی تشیع را نیز از این طریق فراهم آورد.

شاخص ما در اثربخش بودن جذبۀ ولایت در مورد هر فرد به میزان مجذوبیتی است که از طریق آن برای وی نسبت به ولایت اهل البیت (ع) حاصل شده است. از میان همه عناصری که در جذب روان انسان به سمت مقام ولایت بیش از هر عامل دیگر به نظر مؤثرتر می‌رسد می‌توان از ادبیات راستین انقلابی و پایداری یاد کرد. در واقع، «ادبیات مقاومت و پایداری ریشه در کربلا و عاشورا دارد» (اسماعیلی، ۱۳۸۷). چنین ادبیاتی کمک می‌کند تا دریابیم که هر

اندازه شرایط و فضای جذاب برای درک معارف اهل بیت بیشتر فراهم گردد، امید به مجذوب واقع شدن افراد نسبت به مقام ولایت بالاتر خواهد بود

فطرت انسان با آهنگ و مضامین آیات قرآن سازگار است. در قرآن، بر حسب موارد گوناگون از روش‌های متنوع ادبی بهره‌برداری شده است تا آیاتش، ضمن حکیمانه بودن جاذبه نیز داشته باشند. قرآن کتاب ادبی و شعر و خطابه و تاریخ نیست، اما در تنظیم آرایه‌های علمی و خطابی و ادبی و تاریخی فوق‌العاده رسا و آهنگین است. موسیقی ملکوتی قرآن از جنس سروده‌های فاخر و بسیار جذابی است که در هیچ نت^{۱۱} موسیقایی نمی‌توان نظیرش را یافت.

بی تردید جذبۀ ولایت هر کسی را فراگرفت او را به مسیر درست هدایت خواهد کرد. در این میان، با توجه به برداشتی که قبلاً از جذبۀ به مثابۀ رابطۀ متقابل جاذب و مجذوب و در عین تقابل متکامل آرایه گردید، هر اندازه و به هر نسبت اشتیاق فیما بین بیشتر باشد، جذب و انجذاب قوی‌تر خواهد بود. (ر.ک. اراکی، ۱۳۹۰، ص ۹۸). بیش از همه عاشق واله واصل باید مراقب مقام وصل باشد، که گفته می‌شود:

«گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند // نگه دار سر رشته تا نگهدارد»

مقام ولایت با همه ویژگی‌ها و کمالاتی که برایش منظور می‌گردد نقش عاملی فعال را در بهینه‌سازی سبک زندگی ایفا می‌کند و موجب می‌گردد جان‌های آماده بر اساس فهم و درک خویش تحت تأثیر جاذبه‌های صوری و معنوی آن مجذوب کمالات آن مقام شوند. برای درک و فهم بهتر چنین جایگاهی توجه به دو روایت زیر کافی به نظر می‌رسد:

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللَّهُ مَلَّ جَلَلُهُ لَوْ لَجَمَعَ النَّاسُ كَلِمَةً عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا خَلَقْتُ النَّارَ (الطاهر، ۱۳۷۶، ص

۶۵۷). پیامبر اکرم (ص): خداوند می‌فرماید اگر مردم به طور همگانی بر ولایت علی علیه‌السلام مجتمع می‌شدند، آتش جهنم را نمی‌آفریدم.

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَوْ لَجَمَعُوا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا خَلَقْتُ النَّارَ» (بخاری، ۱۶). قَالَ: «يَعْنِي لَوْ لَجَمَعُوا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا خَلَقْتُ النَّارَ» (بخاری، ۱۶). قَالَ: «يَعْنِي لَوْ لَجَمَعُوا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا خَلَقْتُ النَّارَ» (بخاری، ۱۶). قَالَ: «يَعْنِي لَوْ لَجَمَعُوا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا خَلَقْتُ النَّارَ» (بخاری، ۱۶).

^{۱۱} «نت علامتی است برای نوشتن و اجرا کردن صداها یا موسیقایی، ... نت‌های موسیقی هفت نام دارند. دو Do، ر Re، می Me، فا

Fa، سل Sol، لا La، سی Si. شیرمرز، رضا، فن بیان: تمرین‌های عملی، ص ۱۵، تهران: نشر قطره، ۱۳۹۰.

«إِيْمَانٌ، بَوْلِيَّةٌ عَلِيٍّ وَآلِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۵۴۶-۵۴۷). امام محمد باقر (ع) در تفسیر این آیه از قرآن که «اگر اهل ایمان بر راه خداوند استوار بمانند، آنان را از آب فراوان سیراب خواهیم ساخت»: خداوند می‌فرماید: اگر اهل ایمان بر ولایت امیرالمؤمنین و جانشینان ایشان از فرزندانش (ع) پایدار بمانند و فرمانبردار امر و نهیشان باشند، ... دل‌هایشان را سرشار از ایمان خواهیم ساخت، طریقت در این آیه یعنی ایمان به ولایت علی و جانشینان ایشان (ع).

به مفاد روایت نخست، اهمیت جذبه ولایت و بهای مجذوب شدن انسان به مقام ولایت تا حدی است که حتی موجب برچیده شدن جهنم از جهان هستی نیز خواهد شد. و بنا بر روایت دوم، ملامال شدن دل انسان از ایمان و ولایت معصومین (ع) ارمغان استقامت در راه خداست. اما چنین جایگاهی را که تا انسان‌ها مجذوب آن می‌شوند، به واسطه آن به سعادت می‌رسند و وارد بهشت می‌شوند چه کسی جز خداوند به آن بزرگواران عطا فرموده است؟ بدیهی است جایگاه ولایت را باید کسی اعطا کند که خودش کانون و محور و قطب ولایت باشد و او کسی جز خداوند نیست که بهتر از هر کسی می‌داند رسالت و ولایت خویش را به چه کسانی اعطا فرماید.^{۱۲}

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جذبه ولایت و آثار تربیتی آن در ساحت‌های گوناگون اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و ... مطلبی نیست که بشود از کنارش به سادگی گذر کرد. هر کسی خودش با پیوستن صادقانه به ولایت اهل بیت (ع) می‌تواند چنین جذبه‌ای را تجربه کند و یا آن را در سبک زندگی و رفتار ولایتمداران راستین مشاهده نماید. در هر صورت، مسیر پیوستن به ولایت خاندان نبوت به روی همه آحاد بشری باز است و هرگز بنا نیست به روی احدی- از هر قشر و صنف و نژاد و رنگ و قوم و قبیله و سرزمینی که باشد- مسدود گردد. کافی است هر شخصی تا حد توان و متناسب با ظرفیت ادراکی و فطری خویش نسبت به این خاندان و سیره ربانی آن بزرگواران آشنا شود و افزون بر این، دست کم از طریق عشق و علاقه به مکارم اخلاقی و رهنمودهای نورانشان، به تدریج نسبت به آنان صادقانه عشق و محبت ورزد، در این صورت مجذوب آنان خواهد شد. این یک اصل غیر قابل انکار فطری است که بر اساس آن شیفتگی و یا حتی علاقه انسان نسبت به یک اثر با ارزش و حایز اهمیت تحسین صاحب اثر را در ذهن و روان او برمی‌انگیزاند و در صورت نبود مانع جدی، به تدریج او را علاقمند و شیفته صاحب اثر می‌گرداند. کافی است شرایط لازم برای آموزش و تربیت انسان‌ها بر مبنای سیره و منویات معصومین (ع) فراهم آید. در این صورت، نسبت به امکان جذب و انجذاب می‌توان اطمینان حاصل کرد.

^{۱۲} ... اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ... (انعام: ۱۲۴).

اهل بیت (ع) کانون و مظهر باورمندی و اطمینان و امیدواری به فضل و احسان و رحمت بیکران الهی و احساس رضایت‌مندی از زندگی و درک حقیقت و احساس امنیت روانی همراه نشاط و شادکامی و رضایت‌مندی و حقیقت‌جویی و امنیت و فرجامی خوشایند هستند. این ارزش‌های ویژه که همه از مقوله‌های مورد تأکید روانشناسی مثبت‌گرا هستند، در اثر جذب و انجذاب حاصل از پذیرش ولایت اهل بیت (ع) برای انسان ولایت‌مدار دست‌یافتنی خواهند بود. رسالت‌آشناسازی افراد و جوامع نسبت به فرهنگ اهل بیت (ع) در مرتبه نخست بر دوش مبلغانی گذاشته شده است که خودشان پیش و بیش از هر کسی دیگر با این فرهنگ آشنا شده باشند. تعلل و کوتاهی در رساندن پیام چنین فرهنگ‌ماندگاری می‌تواند به قیمت محروم ماندن انسان‌ها از قدرت نرم هدایت‌گر ولایت تمام شود. امامان شیعه (ع) از جنبه‌های گوناگون آنقدر شایستگی دارند که شرح حالشان به هر زبان و کلامی - خواه به زبان و کلام ساده نقلی و روایی و خواه به زبان و کلام فاخر حکمی و هنری و ادبی - بیان و روایت شود و یا اوصافشان به هر صورتی ترسیم گردد در نگاه اهلش از جذابیت فوق‌العاده برخوردار خواهد بود. بدین ترتیب، پیشنهاد می‌شود:

الف) به منظور بررسی و تحلیل راهکارهای مناسب و روزآمد نشر و ترویج فرهنگ ولایت در ابعاد گوناگون زندگی و تهیه و تنظیم و تدوین منشور کامل ولایت‌مداری در سطوح مختلف علمی و فرهنگی، با دعوت از کارشناسان و پژوهشگران با ایمان عرصه سیره اهل‌البیت‌علیهم‌السلام، جلسات هم‌اندیشی برگزار گردد.

ب) با برگزاری دوره‌های راهنمایی سبک و شیوه‌های آموزشی-تربیتی مرتبط با فرهنگ ولایت بر پایه منشور فوق، نسبت به فراخوانی معلمان و مربیان ویژه جهت شرکت فعال در این دوره‌ها و ارتقاء سطح دانش و معرفت خویش در قلمرو فرهنگ ولایت اقدامات مناسب به عمل آید.

ج) گروهی از میان تهیه‌کنندگان منشور ولایت‌مداری مسئولیت تدوین درس‌نامه‌هایی مشتمل بر بنیان‌های نظری و رهنمودهای کاربردی در حوزه تربیت ولایی را بر حسب سطوح گوناگون ابتدایی و متوسطه و عالی بر عهده گیرند و این رسالت خطیر را به انجام رسانند.

د) متون درسی در اختیار مراکز و مؤسسات علمی و پژوهشی مردم-نهاد قرار گیرد تا بر پایه طرح و برنامه اجرایی مناسب و با بهره‌برداری از این متون، در برگزاری دوره‌ها و جلسات آموزشی-تربیتی ویژه، مساعی خویش را به کار بندند و از هیچ تلاشی در این راستا دریغ نورزند.

ه) پس از گذراندن چندین دوره آموزشی-تربیتی در خصوص تربیت ولایی و کسب تجربه کافی، لازم است به پشتوانه متون درسی اصلاح شده، روند رسمیت یافتن و فراگیر شدن این نوع تربیت در سطوح مختلف آموزش و پرورش عمومی پیگیری شود.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *الأمالی* (للسدوق)، تهران: کتابچی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تحقیق و تصحیح لاجوردی، مهدی، تهران: نشر جهان.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق و تصحیح غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ ق، *دعائم الإسلام*، تحقیق و تصحیح فیضی، آصف، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، *تحف العقول*، تحقیق و تصحیح غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۹ ق، *إقبال الأعمال*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری، ۱۴۱۰ ق، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر و دار الفکر.
۸. اراکی، محسن، ۱۳۹۰، *درآمدی بر عرفان اسلامی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۹. اسرافیلی، حسین، ۱۵ تیر ۱۳۹۲، «همایش ملی - مردمی شعر ولایت (حدیث سرو)»، سه شنبه ۱۸ تیر، تالار ایوان شمس، تهران.
۱۰. اسماعیلی، رضا، ۲۹ آذر ۱۳۹۹، «هشت یادداشت کوتاه در باره ادبیات مقاومت و پایداری»، ۲۵ شهریور ۱۳۸۷، پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت.
۱۱. پسندیده، عباس (۱۳۹۲)، *الگوی اسلامی شادکامی*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، کاری از گروه روان شناسی اسلامی پژوهشکده اخلاق و روان شناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث.
۱۲. پلنگی، محبوبه، ۱۳۸۱، "آنه ماری شیمیل بانوی شرق شناس غربی"، *پیام زن*، شماره ۱۲۱.
۱۳. تیممی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق و تصحیح درایتی، مصطفی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. جلیلیان مصلحی، ۱۳۹۶، *تعمیق شعر ولایی در سایه هجرت امام رضا(ع)*، خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا) از خراسان رضوی.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳، *تحریر رساله الولایه شمس الوحی تبریزی*، ج ۲، قم: إسرائ.

۱۶. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ۱۳۸۰، *الحیاه*، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، ۱۳۹۸، بیانات در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب.
۱۸. سقایی بی‌ریا، ناصر و دیگران، ۱۳۷۵، *روانشناسی رشد: با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، (سمت).
۱۹. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ق، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)* - قم: هجرت.
۲۰. شیرمرز، رضا، ۱۳۹۰، *فن بیان: تمرین‌های عملی*، ص ۱۵، تهران: نشر قطره.
۲۱. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۳، *شرح أصول الکافی*، تحقیق و تصحیح خواجه‌جوی، محمد، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۲. عمید، حسن، ۱۳۸۷، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیر کبیر.
۲۳. غفاری ساروی، مصطفی، ۱۳۹۲، *هدیه مسیح: سیری در زندگی ادواردو آنیلی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، *الکافی*، تصحیح دارالحدیث، قم: دار الحدیث.
۲۵. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، ۱۴۰۴ ق، *المؤمن*، قم: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام.
۲۶. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، ۱۳۸۶، *مؤمن کیست؟ وظیفه اش چیست؟*، تحقیق و تصحیح و ترجمه صالحی، عبد الله، قم: نور السجاد.
۲۷. مجاهدی (پروانه)، محمد علی، ۱۳۸۹، *گنج گوهر (معرفی و گزیده‌ی شعر ولایی از ابولحسن شهید بلخی تا حکیم ناصر خسرو)*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر.
۲۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار*، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۰، *اخلاق در قرآن*، ج ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۰. منتظری مقدم، حامد، ۵ خرداد ۱۳۹۸، «ایرانیان چرا و چگونه شیعه شدند؟»، در مصاحبه با خبرگزاری ابنا، ۱۳۹۸، کد خبر ۷۵۲۲۹۹.
۳۱. منسوب به امام صادق، جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ ق، *مصباح الشریعه*، بیروت: اعلمی.
۳۲. منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیه السلام، ۱۴۰۶، *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام*، تصحیح و تحقیق مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، مشهد: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
۳۳. نجمی، سید شمس‌الدین، پاییز ۱۳۸۹ تا بهار ۱۳۹۰، «شاعران ولایی برگزیده در ایران» در *ادبیات پایداری*، شماره ۳ و ۴.

۳۴. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ق، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه* (خوئی)، ترجمه حسن زاده آملی، حسن و کمره‌ای، محمد باقر، تصحیح میانجی، ابراهیم، تهران، مکتبه الاسلامیه.

۳۵. همایش ملی - مردمی شعر ولایت (حدیث سرو)، ۱۵ تیر ۱۳۹۲، تالار ایوان شمس، تهران.

۱. <http://www.irantahgig.ir/?p=4894>.
۲. <https://psycnet.apa.org/record/001-13324-2000>.
۳. <https://psycnet.apa.org/doiLanding?doi=066-0003/10.1037X.55.1.5>
۴. <http://www.irantahgig.ir/?p=4894>